یادداشت میهمان

محمدحسین الهی

داودها منتظر جالوتیان هستند

اخبار هفته‌های اخیر از لشکرکشی و شاید صف‌آرایی شیطان بزرگ بر کسی پوشیده نیست؛ همان دشمنی که به گواه اندیشمندان از حمله به افغانستان و عراق به جای حمله به ایران پس از بازی‌سازی انهدام برج‌های دوقلو پشیمان شد، اما چه سود که فرصت برای‌شان از دست رفت و برای ما به ساخت سجیل‌ها، عمادها و فتح‌ها منجر شد. حال، او به تحریک باند جنایتکار صهیونی، خود به میدان آمده که یا با توافق ایران را تسلیم کند و سراغ پرونده اصلی خود یعنی مهار چین برود یا با ساقط کردن حکومت و جایگزین کردن حکومتی ضعیف یا افرادی ضعیف از داخل حکومت فعلی، مسئله ایران را فیصله دهد و به چین برسد، البته که اینجا نقطه افتراق رژیم و امریکاست، رژیم به دلایل خود، معتقد به تجزیه ایران است و به گواه برخی شواهد، امریکا متمایل به کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین روش مهار است که قطعاً با تجزیه ایران و شکل‌گیری چندین حکومت نوپا، متناقض است.

اما در این سوی میدان، ملت امام حسین(ع) از خود می‌پرسد متی نصرالله؟ با فرض اینکه این امت در حال حاضر شایسته دریافت امداد الهی در مواجهه با طاغوت اصلی زمان باشد، در لایه‌ای عمیق‌تر از آن پرسش، باید پرسید که انتظار چگونه امدادی را باید داشت؟ در هفته‌های اخیر برخی فعالان مباحث تاریخ دین می‌گویند آنگاه که شمشیر لشکر فرعون روی سر آخرین نفر بنی‌اسرائیل که به سمت نیل فرار کرده و به آن رسیده بود ظاهر شد، اولین نفر بنی‌اسرائیل از نیل گذشت و نصرت الهی اینگونه رسید، اما آیا اساساً موقعیت این امت همانند بنی‌اسرائیل- موسی- فرعون است؟ بنی‌اسرائیل در آن مقطع قوم تحت ظلم، ضعیف نگه داشته شده، با کمترین مرد جنگی، کمترین سازوبرگ، کمترین روحیه، آزموده‌نشده و با کادر رهبری بسیار محدود موسی- هارون بود. آیا ایران اسلامی در حال حاضر کوچک‌ترین شباهتی به این حالت دارد؟ کادر رهبری و فرماندهان و رزمندگان پای کار و آزمون پس‌داده، نفرات متعدد در گوشه‌گوشه کشور که بعضاً حتی با دست خالی هم شده، در مقابل تروریست‌های تجزیه‌طلب مسلح در کف خیابان می‌ایستند، موشک‌هایی که از برد ۳۰۰ تا ۲هزار کیلومتر را پوشش می‌دهند و در سراسر کشور پراکنده هستند و سایر سازوبرگ نظامی، بیشتر شبیه موقعیت طالوت- جالوت نیست؟ بنی‌اسرائیل در دوران تثبیت خود از خداوند خواست رهبری الهی برای مقابله با دشمن به آنها حاکم کند و طالوت، همان بود. در این مقطع تکلیف آنها صف‌آرایی در مقابل دشمن با وجود کمبود نفرات بود. با آزمایش‌هایی که می‌دانید و در نهایت روز جنگ رسید، نصرت الهی تا لحظه‌ای که داود برنخاست و قلاب‌سنگ را به قصد سر جالوت به کار نگرفت، نرسید و آنگاه بود که سنگ را خداوند طوری بر سر جالوت نشاند که کار را یکجا تمام کرد.

آیا همه آنچه امروز از ملت امام حسینی ایران برمی‌آید فرار به سمت نیل و انتظار برای شکافته شدن آن است؟ به کدام سمت شکافته شود؟ امروز آیا تکلیف، به خدمت گرفتن داودها برای نشانه رفتن سر جالوت‌های نظام امریکا در همان اولین لحظات جنگ نیست؟ بماند که اگر شاه‌کلید تفکر جناح ونس در دولت ترامپ که در مصاحبه اخیر او پیدا شد، یعنی آماده نبودن دولت ترامپ برای پرداخت هزینه‌های تلفات انسانی و از بین رفتن ابهت و در موارد بعدی، هزینه‌های مالی را در نظر بگیریم، ایران اسلامی با اثبات اینکه برخلاف عملیات عین‌الاسد و العدید، آماده وارد کردن تلفات سنگین به امریکاست، می‌تواند لشکر جالوت را پیش از به صدا درآمدن شیپور جنگ به عقب راند و مجدداً با چشم فتنه یعنی رژیم‌صهیونی رودررو شود.

نگاه انفعالی انتظار شکافته‌شدن نیل در مقابل نگاه فعالانه آماده‌سازی داودها برای شلیک به سر جالوت‌ها، نه از باب آمادگی روحی جامعه و نه از باب عملیات روانی روی جبهه دشمن، صحیح نیست بلکه در کنار آماده‌سازی داخلی، اتمام حجت با خانواده ارتشیان امریکا از سوی عالی‌ترین مقامات کشور از طریق رسانه‌های عمومی و یادآوری کشته‌ها، مفقودین و مجروحین جنگ‌های گذشته امریکا به آنها و البته مشکلات تمام‌نشدنی کهنه‌سربازان می‌تواند جبهه دشمن را از درون دچار مشکل کند.

خبر

فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

دانشجویان آینده را با یک نوستالژی ارتجاعی پیوند نزنند

معاون دانشجویی وزارت علوم دولت اصلاحات با تأکید بر پرهیز از برخورد بیرونی با تجمعات دانشجویی گفت: نهاد دانشگاه نسبت به مسئله دخالت نیروهای بیرونی حساس است، دانشجویان نیز نباید آینده را با یک نوستالژی ارتجاعی که در گذشته تجربه شده پیوند بزنند بلکه نگاه آنها باید همچنان متکی بر آرمان‌ها و عدالتخواهی باشد.

غلامرضا ظریفیان خطاب به دانشجویانی که نسبت به وقایع کشور دیدگاهی غیرهمسو با قرائت‌های رسمی دارند، اظهار داشت: دانشگاه همواره نبض دفاع از عدالت، آزادی و استقلال کشور است اما باید توجه کنیم مسئله ایران بسیار پیچیده است و مراقب باشیم که امنیت آن آسیب نبیند، همچنین باید مراقب جریان‌هایی باشیم که در گذشته آزمون خود را پس داده و نشان داده‌اند اهل دموکراسی نیستند و نمی‌خواهند ایران به استقلال و آزادی برسد. وی افزود: دانشجویان نیابد آینده را با یک نوستالژی ارتجاعی که در گذشته تجربه شده پیوند بزنند بلکه نگاه آنها باید همچنان متکی بر آرمان‌ها، عدالتخواهی و مبارزه با تبعیض و فساد باشند و بازگشت به مردم و جمهوریت را از برخی مسئولان طلب کنند اما باید در این مسیر دو نکته را رعایت کنند:

۱) کار به خشونت کشیده نشود.

۲) با کسانی که اساساً دل در گرو استقلال و تمامیت ایران ندارند، مرزبندی کنند. در فضای کنونی تمامیت ایران با خطر روبه‌رو است و دانشجویان ضمن حفظ روحیه آرمان‌خواهی باید به این مسئله توجه جدی کنند.

ظریفیان به ارزیابی دستور رئیس‌جمهور در زمینه واگذاری مسئولیت خطیر ریشه‌یابی اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ به نهاد دانشگاه پرداخت و گفت: ارجاع ریشه‌یابی مسائل بنیادین از جمله حوادث اخیر کشور به نهاد علم، بسیار عالمانه و هوشمندانه بود، دانشگاه نیز با انبوهی از استادان مختلف در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناسی توانمندی بالایی در این زمینه دارد، هرچند در ارزیابی این مسئله باید سراغ تمام ابعاد آن برود تا نتیجه‌گیری نهایی بتواند جامعه را اقناع کند، البته واگذاری این مسئولیت یک فرصت طلایی برای دانشگاه است تا بتواند نقش خودش را در تبیین واقعی آنچه رخ داده است، ایفا کند.

قضایی

در نشست شورای‌عالی قوه قضائیه

اژه‌ای: باید هزینه ارتکاب فساد را بالا ببریم

ابلاغیه فسادستیزی و «بایدهای» مبارزه همه‌جانبه با فساد صادر شد

رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه امروز به‌واسطه شیطنت‌ها و عملیات روانی پردامنه دشمن، باید بیش از پیش به مقوله مبارزه با فساد در ساحت‌های مختلف اعم از فساد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مسائل ضدامنیتی توجه کنیم، گفت: معنای مبارزه با فساد نیز فقط بگیر و ببند و حبس نیست، این یک بخش از مقوله مبارزه با فساد است.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای روز گذشته طی سخنانی در نشست شورای‌عالی قوه قضائیه، به مقوله مبارزه با فساد پرداخت و گفت: امروز به واسطه شیطنت‌ها و عملیات روانی پردامنه دشمن، باید بیش از پیش به مقوله مبارزه با فساد در ساحت‌های مختلف اعم از فساد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مسائل ضدامنیتی توجه کنیم. معنای مبارزه با فساد نیز فقط بگیر و ببند و حبس نیست؛ این یک بخش از مقوله مبارزه با فساد است، اما آن بخش و مقوله‌ای که مهم‌تر است، شناسایی گلوگاه‌ها، ریشه‌ها و زمینه‌های فساد و انسداد آنها و اتخاذ شیوه‌های عالمانه برای جلوگیری از رویش و ایجاد منافذ فساد است.

وی با تبیین و تشریح شاخصه‌های مبارزه عالمانه و همه‌جانبه با فساد تأکید کرد: مبارزه ما با فساد و مفسد باید حائز جنبه‌های بازدارنده باشد، باید هزینه فساد را به گونه‌ای بالا ببریم که اساساً ارتکاب فساد برای هیچ‌کس، صرفه‌ای نداشته باشد، باید کاری کنیم که مفسد از تکرار فساد پشیمان شود، باید ریشه‌ها و زمینه‌های فسادزا را مسدود کنیم، باید امنیت فعالان سالم در عرصه‌های مختلف به ویژه عرصه‌های اقتصادی را تأمین و تضمین کنیم، باید مبارزه ما با فساد اقتصادی به‌گونه‌ای باشد که آثارش در ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری و حمایت از تولیدگران و سرمایه‌گذاران هویدا شود، باید مقابله ما با فساد به‌گونه‌ای باشد که آنهایی که به انحای مختلف از جمله با ترک‌فعل‌ها و اجرای معیوب قانون، چوب لای چرخ تولید کشور می‌گذارند، حساب کار دست‌شان بیاید. قاضی‌القضات عنوان کرد: طی روزهای اخیر تعمیق و تدقیقی در برخی قوانین و مقررات مرتبط با مبارزه با فساد داشتم، استنباط و استنتاج من آن است که با همین ظرفیت‌های قانونی موجود، می‌توانیم عالمانه‌تر و مجدانه‌تر، به مقابله با فساد و انسداد ریشه‌های فسادزا بپردازیم، با این حال، به دنبال تعمیق و تدقیقی که داشتم، جلسه‌ای را با برخی از مقامات ذی‌ربط قضایی و حقوقدانان برگزار کردم و نکات مدنظر در حیطه مبارزه عالمانه‌تر و مجدانه‌تر با فساد را با آنان در میان گذاشتم؛ طی آن جلسه مقرر شد، مقامات ذی‌ربط قضایی، سلسله‌نشست‌هایی را با سایر مقامات و دستگاه‌های مسئول داشته باشند و با آنان نیز تفاهماتی در راستای بهینه کردن مقوله مبارزه با فساد حاصل شود.

اژه‌ای با اشاره به تکلیف معاونت حقوقی قوه قضائیه در امر مبارزه با فساد اظهار کرد: معاونت حقوقی قوه قضائیه باید بازنگری و بازآرایی در حیطه مبارزه با فساد و مسائل و موضوعات مرتبط با این عرصه خطیر داشته باشد. باید از همه ظرفیت‌های قانونی موجود در امر مبارزه با فساد استفاده کرد و در صورت لزوم، به اصلاح و تکمیل قوانین در این عرصه مبادرت ورزید، در این راستا، معاون حقوقی قوه قضائیه، آقای هادی که یک روحانی جوان و فاضل و مرتبط با نهادهای حوزوی و مجامع دانشگاهی است، می‌تواند هرچه بیشتر از نخبگان حوزه و دانشگاه کمک و مساعدت دریافت کند.

■ قوه قضائیه باید شفاف مقابل مردم باشد

رئیس قوه قضائیه با برشمردن و تشریح شقوق مختلفی که در باب مبارزه کارآمدتر با فساد مطرح است، بیان داشت: در عرصه مبارزه مطلوب‌تر و کارآمدتر با فساد، عده‌ای بر مقوله ترک‌فعل‌ها تأکید و اصرار دارند، این قضیه ترک‌فعل‌ها باید شفاف شود. اکنون به لحاظ قانونی، دستورکار روشنی در این عرصه وجود ندارد، چنانچه مسئولی وظیفه‌ای را برعهده داشته و آن وظیفه را بالتقصیر یا بالقصور انجام نداده است، در اینجا تکلیف باید به لحاظ قانونی کاملاً روشن و شفاف و دستورکارِ قانونی و مشخصی در باب نحوه برخورد با مسئولِ ترک فعل کرده، ایجاد شود.

رئیس دستگاه قضا تصریح کرد: در مواردی شاهد هستیم که قانونِ وجود دارد، اما به درستی اجرا نمی‌شود و اساساً روش اجرای قانون، ایجاد مشکل و بعضاً فساد می‌کند، به اینگونه موارد نیز باید ورود جدی داشته باشیم و اجازه ندهیم شیوه نامطلوب و فسادزایی در اجرای قانون، پیاده‌سازی شود. در مواردی نیز قانون، ابهام و اجمال دارد و همین مبهم و مجمل بودن، سبب اجرای نادرست و معیوب آن می‌شود، این موارد را نیز باید مرتفع کنیم.

رئیس عدلیه عنوان کرد: در مواردی، نوع و میزان مجازات مفسد از بازدارندگی و تأثیر لازم برخوردار نیست، در اینگونه موارد، فرد چنین محاسبه می‌کند که فلان عمل مجرمانه و مفسدانه را مرتکب می‌شوم و به انتفاع مادی می‌رسم و نهایتاً مقدار مشخصی حبس تحمل می‌کنم یا مقدار مشخصی جریمه می‌پردازم! اما چنانچه فرد بداند در صورت ارتکاب آن عمل مجرمانه و مفسدانه، بهایی که باید بپردازد، بیش از انتفاع مادی‌اش است، طبیعتاً به سمت ارتکاب آن عمل نمی‌رود.

قاضی‌القضات افزود: در مقطعی، قانون مقرر کرده بود دارندگان و توزیع‌کنندگان انواع و میزان مشخصی از مواد مخدر، به ضبط تمامی اموال محکوم می‌شوند، اما این قانون تغییر کرد و مقرر شد فقط اموال حاصل از جرم توزیع مواد مخدر، ضبط شوند، حال باید بررسی شود که آیا با تغییر این قانون، بازدارندگی آن تقلیل یافت یا افزایش پیدا کرد. در پاره‌ای از موارد، حبس‌ها تشدید می‌شوند، اما مجرم چنین می‌انگارد که این تشدید حبس‌ها، اجرایی نمی‌شود و با گذشت زمان، بر اساس قانون تخفیف‌هایی حاصل می‌شود، این فقره نیز در بازنگری و بازآرایی قوانین مرتبط با مبارزه با فساد باید مطمح‌نظر قرار گیرد.

رئیس قوه قضائیه بیان داشت: در همین قضیه اغتشاشات، عده‌ای معتقدند کسانی که به انحای مختلف، حامی و محرک اغتشاشات بودند، باید جریمه مالی سنگین شوند. سؤال آن است که آیا در این رابطه، قانون اجازه افزایش مبلغ جریمه به هر میزانی را می‌دهد؟ یا موضوع دیگر، بحث تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی است؛ محکومی را که طبق قانون باید سه سال حبس تحمل کند، نمی‌توان فی‌المثل ۱۰ میلیارد تومان جریمه نقدی کرد، بعضاً ممکن است فرد چنین برآورد و محاسبه کند که جریمه نقدی بدل از حبس، در برابر انتفاع مادی حاصل از ارتکاب جرم، برای او صرفه دارد، اینها مقولاتی است که در بازنگری و بازآرایی قوانین مرتبط با مبارزه با فساد باید مدنظر قرار گیرند.

رئیس دستگاه قضا در ادامه خطاب به تمامی مسئولان قضایی در سراسر کشور توصیه‌هایی مهم را ارائه کرد و گفت: با توجه به قرار گرفتن در روزهای پایانی سال، مسئولان قضایی در سراسر کشور توجه داشته باشند که به هیچ وجه کار امسال را به سال آینده موکول نکنند، همچنین مسئولان قضایی ذی‌ربط نسبت به ساماندهی کامل آمار موجودی، ورودی و مختومه پرونده‌ها در مراجع و شعب قضایی اهتمام داشته باشند. مسئولان ذی‌ربط توجه کنند مبادا پرونده‌هایی در شعب قضایی، رسوب کنند و در آمارگیری‌های ماهانه همواره جزو موجودی‌ها باشند و مختومه نشوند، اگر چنین پرونده‌هایی وجود دارند، نسبت به تعیین تکلیف آنها تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شود.

■ دشمن حماقت کند، ضربه سنگین‌تری خواهد خورد

رئیس قوه قضائیه در ابتدای این نشست با اشاره به یاوه‌گویی‌ها و تهدیدات مستمر و ممتد رئیس‌جمهور سبک مغز امریکا علیه ملت ایران گفت: رئیس‌جمهور بی‌مایه و پست و سفله امریکا باید بداند که مردم ایران اسلامی شاگردان مکتب قرآن و اسلام ناب هستند و با این قبیل لشکرکشی‌ها و تهدیدات نظامی، نه می‌ترسند و تسلیم می‌شوند و نه از حقوق و عزت و کرامت‌شان، عقب می‌نشینند، برعکس، این تهدیدات سبب انسجام و وحدت بیشتر مردم ایران در برابر مستکبران و عنودان می‌شود.

رئیس دستگاه قضا تصریح کرد: چنانچه امریکا یا رژیم‌صهیونیستی حماقت کنند و بر مبنای محاسبات و برآوردهای غلطی که از ناحیه برخی معاندان و وطن‌فروشان به آنها می‌رسد، بخواهند ضربه‌ای را به ملت ایران وارد کنند، اطمینان داشته باشند که پاسخی کوبنده و ضربه سنگین‌تری را دریافت خواهند کرد.

گزارش

فائزه‌سادات یوسفی

ترورریست‌ها با دستور موساد به خط شدند

«تجزیه ایران» پیش‌نیاز خاورمیانه بزرگ صهیونی

در حالی شبکه‌های براندازی با وهم‌فروشی، دروغ‌بافی و سانسور واقعیت‌ها، امریکا را حامی ایران معرفی می‌کنند که در آن روی سکه رویدادهایی متناقض با این دست شعارها، هدف اصلی امریکا یعنی فروپاشی و از بین بردن ماهیت ایران و ایرانی را افشا می‌کند.

طی روزهای گذشته ائتلاف چند گروه تجزیه‌طلب و تروریست نشان داد امریکا و رژیم‌صهیونیستی پس از ناکامی از وقایع تروریستی دی ماه، در حال تکمیل پازل کشتار و خشونت مسلحانه علیه ایرانیان هستند. گروهک‌های تجزیه‌طلب و سابقه‌دار از جمله پژاک، کومله، پاک، دموکرات و خبات با اعلام تشکیل «ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان» از پروژه‌ای ضدایرانی رونمایی کردند. این ائتلاف هدف اصلی خود را سرنگونی جمهوری اسلامی، دستیابی به حق تعیین سرنوشت برای مردم کرد و ساخت نهادی ملی و دموکراتیک بر اساس اراده سیاسی ملت کرد اعلام کرد. این تروریست‌ها که مقر اصلی آنها در کردستان عراق قرار دارد و تحت سرویس‌های موساد آموزش می‌بینند، هدف‌شان فقط سقوط حاکمیت نیست و فراتر از آن، به دنبال تجزیه ایران و فروپاشی هویت ایرانی هستند. مشی آنها هم همواره بر جنایت استوار بوده است و از ابتدای انقلاب با تکیه بر حمایت خارجی، از صدام حسین تا موساد با کشتار مردم بی‌گناه و جاسوسی و ترور، هیچ خط قرمزی نداشتند.

استراتژی کنونی امریکا و رژیم‌صهیونیستی که بعد از ۱۷ اکتبر علنی و آشکار شد، فروپاشی نظم منطقه‌ای و تغییر آن به سمت حاکمیت خاکی و تسلط سیاسی رژیم اسرائیل در کل منطقه است. این ایده یک هدف ایدئولوژیکی صهیونیسم است، چنانکه هاکبی، سفیر امریکا در اسرائیل تصریح کرد که اسرائیل بر اساس کتاب مقدس حق دارد بر بخش گسترده‌ای از خاورمیانه حاکم باشد. هدف امریکا از آغاز جنگ با ایران هم در همین چارچوب قرار دارد و کاخ سفید تلاش می‌کند با برچیدن حاکمیت ایران و تضعیف همه قدرت‌های منطقه‌ای، مسیر را برای اجرایی کردن پروژه خاورمیانه بزرگ هموار کند. ائتلاف ترورریست‌های تجزیه‌طلب کردستان هم بخشی از استراتژی امریکا در تقسیم‌بندی یا همان تجزیه کردن و در نهایت تضعیف قدرت ایران است که در تقویم راهبرد خود به سایر کشورهای منطقه از جمله ترکیه و سوریه هم تسری پیدا خواهد کرد. در واقع، اراده امریکا برای آغاز جنگ با ایران ریشه در استراتژی نهایی این کشور یعنی تقسیم‌بندی و مرزبندی‌های جدید در منطقه برای تحقق خاورمیانه بزرگ دارد، از این رو، ائتلاف ترورریست‌های تجزیه‌طلب را می‌توان نشانه‌ای از رسوایی اهداف ضدامنیتی و ضدساختاری امریکا و رژیم‌صهیونیستی در ایران و پس از آن در منطقه دانست. گرچه امریکا با تبلیغات رسانه‌ای گسترده، فریب بخشی از مردم داخل کشور و تجهیز مالی و لجستیکی سلطنت‌طلبان، تلاش می‌کند پروژه رژیم‌چنج (تغییر رژیم) را به عنوان اقدامی به نفع ایرانیان و برای آزادی و دموکراسی جلوه دهد، اما واقعیت‌های میدانی و شواهد موجود نشان می‌دهد سلطنت‌طلبان، به ویژه در ائتلاف‌های اخیرشان همراه با گروه‌های تجزیه‌طلب (مانند برخی احزاب کردی، بلوچ و آذری) هدفی فراتر از براندازی دارند. در واقع، آنها درصدد تجزیه و تقسیم‌بندی ایران به مناطق قومی کوچک‌تر که هر کدام تحت نفوذ یا حمایت قدرت‌های خارجی همچون رژیم‌صهیونیستی باشند، هستند.

■ سابقه جنایت‌های این گروه‌ها

در آن سال‌ها، گروه‌های مسلح کرد با محاسبه‌ای اشتباه درباره ضعف دولت مرکزی، دست به تصرف شهرها و مناطق کردنشین زدند. کشتار مردم بی‌گناه در بیمارستان پاوه، قتل عام زندانیان در دولَتو و خون‌ریزی در شهرهایی چون مهاباد و سنندج، نمونه‌هایی از جنایت‌هایی است که هنوز در خاطر جمعی مردم آن دیار زنده است. این رویدادها به روشنی نشان داد این گروه‌ها نه به دنبال حقوق قوم کرد، بلکه در پی اجرای سناریویی طراحی شده از سوی حامیان خارجی خود بودند. در جریان ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ و نیز تحولات دی‌ماه، بار دیگر نشانه‌هایی از عملکرد مشابه دو گروهک تجزیه‌طلب کومله و دموکرات در رسانه‌ها بازتاب یافت؛ رفتارهایی که یادآور خشونت‌ورزی و جنایت‌های این گروه‌ها در سال‌های نخستین انقلاب اسلامی بود. این گروهک‌ها از حملات اسرائیل به ایران در جنگ ۱۲روزه هم علنی حمایت کردند. گروهک پژاک فراخوان بسیج عمومی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر و حزب دموکرات کردستان نیز تأکید کرد که «اولویت اصلی، حذف کامل این نظام است». از سوی دیگر، کومله حملات اسرائیل را «پاسخ به تهدیدات جمهوری اسلامی» خواند و خواستار قیام سراسری شد.

■ تکرار شکست ائتلاف پوشالی ترورریست‌های شرقی

حرکت گروهک‌های تجزیه‌طلب کردستان به سمت نمایش اتحاد، یادآور ائتلاف گروهک‌های تروریستی شرق کشور بعد از جنگ ۱۲روزه است؛ الگویی که از سوی موساد برای هماهنگی و هم‌افزایی بیشتر آنها طراحی شده و هدفی جز رخ‌نمایی و عرض‌اندام در برابر جمهوری اسلامی ندارد، اما در عمل، کارایی و اثرگذاری آنها برای اجرایی کردن عملیات ناچیز و بدون نتیجه بوده است، زیرا نیروهای انتظامی و امنیتی مستقر در شرق و غرب کشور با انجام تاکتیک‌های مختلف از جمله رصد و پایش مرزها، اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی و همچنین عملیات سخت با هم‌افزایی وزارت اطلاعات و استفاده از یگان‌های پیاده و پهپادی، ضربات سختی را به ترورریست‌ها در این منطقه وارد کرده است. در داخل نیز سرویس‌های امنیتی همراه با عملیات پیچیده اطلاعاتی، شبکه‌های جاسوسی وابسته به موساد را که قصد انجام اقدامات خرابکارانه در داخل دارند، شناسایی و منهدم می‌کنند. علاوه بر این اقدامات، سپاه پاسداران با حملات موشکی مؤثر به مقر جاسوسان رژیم‌صهیونیستی و ترورریست‌های تجزیه‌طلب کرد در کردستان عراق و همچنین گروهک تروریستی جیش‌الظلم(جیش‌العدل) در خاک پاکستان، پایگاه‌های حیاتی و اتاق فکر آنها را منهدم کرد.

یادداشت

رؤیای تسلیم و کلافگی مزمن

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۲۴۶ خود نوشته است: اخیراً یک رسانه صهیونیستی در مطلبی درباره تهدیدات ترامپ علیه ایران نوشته بود: «بزرگ‌ترین خطا و اشتباه واشینگتن عدم درک ساختار و ماهیت قدرت در ایران است و همین مسئله مانع اصلی در روند مذاکرات است.»

این گزاره به شکلی دیگر نیز توسط استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، بیان شد. ویتکاف در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز از کلافگی و تعجب ترامپ درباره عدم تسلیم شدن ایران در برابر تهدیدها و نمایش قدرت امریکا گفت. این اظهار تعجب و سردرگمی ترامپ خود گویای این است که رئیس‌جمهور امریکا تصور می‌کند، ایران نیز مانند برخی دیگر از کشورهای ضعیف و وابسته نظام بین‌الملل است که با هر تهدید یا وعده‌ای عقب‌نشینی کرده و منافع خود را رها کند.

دولتمردان امریکا مبنای کنشگری خود را این فرض قرار داده‌اند که هر کشوری در برابر ترکیب تهدید نظامی و فشار اقتصادی دیر یا زود عقب می‌نشیند. اعزام ناوهای هواپیمابر، جنگنده‌های پیشرفته و تشدید تحریم‌ها قرار بود ایران را در وضعیتی متزلزل قرار دهد و تهران را به پذیرش خواسته‌های یک‌جانبه وادار کند.

رسانه‌های غربی نیز پیوسته از «آشفتگی» یا «بن‌بست» ایران سخن می‌گویند و به دنبال آن هستند که این تصویر را شکل دهند که تهران زیر فشار، راهی جز عقب‌نشینی ندارد و اصطلاح «سرگیجه راهبردی» را برای ایران به کار می‌برند. اما اکنون امریکایی‌ها اعتراف می‌کنند که نتیجه‌ای حاصل نشده و آنها هستند که دچار سردرگمی‌اند. وقتی رئیس‌جمهور امریکا با این حجم از ابزار قدرت از خود می‌پرسد چرا طرف مقابل کوتاه نیامده، معنایش آن است که معادله‌ای که در ذهن داشت فرو ریخته است.

مشکل اصلی واشینگتن در همین نگاه ساده‌انگارانه نهفته است. ترامپ با ذهنیت معامله‌گرانه تصور می‌کند همه چیز قابل خریدن است. در این چارچوب، فشار باید به تسلیم منجر شود. اما ایران طی چهار دهه گذشته نشان داده است که تصمیم‌های راهبردی خود را بر پایه ترس یا تطمیع اتخاذ نمی‌کند. ساختار سیاسی و امنیتی ایران، هویت خود را با مفهوم مقاومت گره زده و تسلیم در برابر فشار خارجی، نشانه ضعف است. همین منطق است که سیاست فشار را از درون تهی می‌کند.

در همین زمینه، نشریه آتلانتیک نیز به تازگی در تحلیلی تصریح کرده بود: «ترامپ نمی‌تواند درک کند چرا فشار و تهدید، رهبر ایران را وادار به عقب نشینی نمی‌کند. در نگاه ترامپ، هر فردی نقطه شکستی دارد و هر ملّتی را می‌توان با ترکیبی از تهدید و امتیازدهی پای میز آورد. اما این تحلیل در برابر واقعیتی قرار گرفته که با آن سازگار نیست.»

انباشت تجهیزات نظامی امریکا در منطقه با هدف تسلیم کردن ایران و ارعاب صورت گرفته اما نتیجه طبق پیش‌بینی کاخ سفید پیش نرفته است. واقعیت این است که «سرگیجه راهبردی» در واشینگتن شکل گرفته است؛ جایی که سیاستگذاران هنوز نمی‌خواهند بپذیرند قدرت ایران صرفاً در توان نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در پیوند اراده سیاسی، انسجام داخلی و تجربه طولانی مقابله با فشار خارجی ریشه دارد.

ایران در سال‌های گذشته شدیدترین تحریم‌ها و تهدیدها را پشت سر گذاشته و نه تضعیف شده و نه بر سر اصول خود معامله کرده است. طراحی و اجرای کودتای پیچیده دی ماه نیز نتوانست امریکا را به مقاصد شوم خود در ایران برساند. همین اقتدار و ثبات رفتاری اکنون به معمایی برای کاخ سفید تبدیل شده است. ترامپ که گمان می‌کرد با افزایش فشار می‌تواند نتیجه مطلوب را در زمانی کوتاه به دست آورد، حالا با واقعیتی مواجه شده که در چارچوب ذهنی او نمی‌گنجد. «کنجکاوی» او در حقیقت نشانه حیرت از ناکارآمدی ابزارهایی است که تصور می‌کرد بی‌رقیب هستند.

مسئله اصلی، خطای محاسباتی امریکاست. تا زمانی که واشینگتن نپذیرد ایران را نمی‌توان با تهدید و ارعاب وادار به تسلیم کرد، این سرگیجه راهبردی ادامه خواهد یافت و منجر به تصمیمات و اقدامات غلط خواهد شد. ایران مسیر خود را بر اساس منافع و سیاست‌های مستقل خود دنبال می‌کند و تجربه نشان داده است که فشار به‌جای تغییر این مسیر، آن را تثبیت کرده است. اکنون این کاخ سفید است که باید میان تداوم فشار بی‌نتیجه یا بازنگری در نگاه خود یکی را انتخاب کند.

دفاعیه

وزیر دفاع در دیدار وزیر دفاع بورکینافاسو:

روابط با کشورهای مستقل و انقلابی آفریقا گسترش می‌یابد

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دیدار همتای بورکینافاسویی خود بر اتخاذ سیاست اصولی توسعه روابط با کشورهای مستقل و انقلابی در منطقه غرب آفریقا به‌ویژه بورکینافاسو تأکید کرد.

به گزارش ایرنا از وزارت دفاع، سرتیپ خلبان عزیز نصیرزاده در دیدار ژنرال «سلستین سیمپوره» وزیر دولت، جنگ و دفاع از میهن بورکینافاسو در تهران، از مواضع دولت بورکینافاسو در محکومیت اقدام مذبوحانه رژیم‌صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و ارسال پیام همدردی و تسلیت خطاب به وزیر دفاع قدردانی کرد.

وی با اشاره به اهمیت و جایگاه قاره آفریقا و به ویژه کشورهای مستقل این قاره در سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، بر اتخاذ سیاست اصولی توسعه روابط با کشورهای مستقل و انقلابی در منطقه غرب آفریقا به‌ویژه بورکینافاسو تأکید کرد.

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح همچنین انقلاب‌های منطقه ساحل شامل بورکینافاسو، نیجر و مالی را به مثابه یک حرکت مردمی علیه سیاست‌های استعماری توصیف کرد و افزایش همگرایی و اقدام تحسین‌برانگیز این سه کشور در تشکیل اتحادیه ساحل در برابر فشارهای کشورهای غربی را مورد اشاره قرار داد.

امیر نصیرزاده در ادامه با اشاره به تداوم توطئه کشورهای غربی با هدف خدشه‌دار کردن حاکمیت و استقلال بورکینافاسو، بر حمایت جمهوری اسلامی ایران از کشورهای مستقل تأکید کرد.

ژنرال «سلستین سیمپوره» وزیر دولت، جنگ و دفاع از میهن بورکینافاسو در دیدار با وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، ضمن ابراز همدردی با ملت ایران و احترام به شهدای جنگ ۱۲روزه، مقاومت مردم ایران را مورد ستایش قرار داد و تصریح کرد: مقاومت مردم ایران را ارج می‌نهیم که از هویت و استقلال خود دفاع کرد و آن را در برابر همه سلطه‌گری‌های امپریالیسم نگه داشت.

وی گفت: اعتماد داریم دنیا می‌تواند در یک صلح کامل باشد، اگر روابط سلطه‌گری بین کشورها شکسته و فضای بیشتری به عدالت و صلح داده شود.